گذشته و حال

برهان، حسن علی

پیش از مشروطیت مردم کوچه و بازار یک روز می‏دیدند که مردی را ماست بصورتش مالیده- وارون روی خر مفلوکی نشانده و در شهر در انظار مرد و زن او را میگردانند و کلاه مضحکی‏ بر سرش گذارده‏اند(این تنبیه در مورد میرزا محمد قوام الدوله‏1جد مرحوم احمد قوام‏ السلطنه که اردوی حمزه میرزا حشمه الدوله در مرو2را(با تبانی قبلی با شخصی که در تاریخ محمود محمود ذکر شده)گرفتار شبیخون ترکانها نمود در تهران اجرا شد)یا افساری بگردن او انداخته و در گرداندن او را بمردم نشان میدادند-مردم هم در ازای این‏ نمایش صد دینار-پنجاه دینار در ظرفی که در اختیار مامور گردانیدن بزه‏کار بود می‏گذاردند. که مبلغی متعلق به مامور اجرا و مبلغی هم صرف نیازمندی بزه‏کار میشد.

این مرد افسار شده و امثال آن کسی بود که به زور با کسی عمل منافی عفت نموده یا شب‏ روی و دزدی کرده یا....یا....

اخیرا"نیز خبری خواندیم که در چین نیز 16 نفر محکوم را در شهر میگردانده‏اند و موارد اتهام آنها را روی لوحه‏ای که بر گردن آنها آویخته بودند ثبت نموده بودند.

بیاد دارم وقتی سوئدیها شهربانی را اداره میکردند-زندانیان را خجل و شرمنده در انظار عموم مینمودند باین ترتیب:1-لباس مخصوص و سبکی از اولین روز زندانی شد نشان‏ بآنها می‏پوشاندند-برای آنکه فکر فرار در موقعیکه در انظار مشغول کار است ننماید سر یک زنجیر محکم و سبک را به مچ پای او قفل میکردند و دنباله زنجیر از داخل شلوارش به‏ کمربند زندانی وصل میشد و بقیه در ازای آن هم از کمربند او به مچ پای دیگرش از داخل‏ شلوار متصل میگردید و درباره چند نفر معدودی در میان آن دسته زندانیان در حال کار در خیابانها و کوچه‏ها که احتمال فرار آنها با وجود زنجیر مذکور میرفت-بجای آن زنجیر فقط به مچ یک پای او یک زنجیری که کوتاه(15-20 سانتیمتر)و به آخر آن یک وزنه‏ نسبتا"مزاحم برای دویدن(از لحاظ وزن)متصل میکردند.این دسته زندانیان محکوم‏ بکار را با آنچه در بالا ذکر شد و نمیتوانستند فرار نمایند و بعضا"تا بیست نفر هم میشدند زیر حفاظت دو نفر پاسبان مسلح قرار میدادند(من بنده خبیر الملک شیرازی را که به جرم‏ کشتن زنش محکوم بود و معین الصره معاون مخزن کیسه‏های پول مسکوک در اداره ضرابخانه‏ را به جرم سرقت در یکی از دستجات زندانیان محکوم بکار دیده‏ام.)و در مورد شرارت قمه‏کش‏ها و لوش رسم کلانتریها آن بود که جلوی کلانتری در خیابان را آب و جارو نماید و با این تنبیه هر قمه‏کش و شروری بسبب آنکه در برابر دید اهل محل،بچه و بزرگ و زن‏ و مرد و غیر اهل محل بمعنای تمام کنف میشد از شرارت توبه نصوح مینمود و امروز هم‏ نوع جنایات و نحوه مجازاتهای مجرمان را همه میدانیم و حاجت به توضیح نیست.

حسن.علی.برهان

1مرحوم حکیم ریاضی-معلم پسر میرزا محمد قوام الدوله(میرزا ابراهیم-بعدا" معتمد السلطنه-پدر مرحوم احمد قوام)پس از رسوائی قوام الدوله-اشتغال خود را در خانه قوام الدوله با گذاردن کاغذی حاکی از این دو بیتی(آن قوام الدوله کاندر جنگ مرو داد بر باد افسر و دیهیم را خانه‏اش کعبه براهیمش پسر او به کعبه...ابراهیم را.) ترک گفت.

2انگلیسیها پس از تملیک هندوستان همیشه بفرض موهوم یا مبنی بر حساب از اینکه‏ ارتش روس از راه ایران به هندوستان میرسد خیلی متوحش بودند و از همان زمان ایادی‏ مسلمان افغانی یا ایرانی یا از سادات پاکستانی را با مبالغی سرمایه بعنوان خرید فرش ترکمانی‏ همیشه در مرو و ماوراء النهر مقیم مینمودند که هرگاه روسها قصد عملی کردند-وسیله‏ ترکمانها اخلال در کارها نمایند و نیز با صرف پول و تبلیغات ماوراء النهر را که بستگی‏ بایران داشت و در آنزمان هنوز روسها به تصرف و تملیک آن اقدامی نکرده بودند به‏ تملک خود بیاورند

بقیه از صفحه 63

از خانه‏های مردم لکهها برآمد،چشم حرص‏شان تیز شده،بهمان منوال از دیگران هم‏ مطالبه نمودند و باعث خرابی اهل شهر گردید و محله‏های که با این بلا مبتلا شدند، محدوداند باین‏3حدود:غربا"از دروازهء قلعهء پادشاهی تا عیدگاه کهنه و بسوی‏ شمال تا هندوی‏4چوب و بجانب جنوب تا بیرون دهلی دروازه و از بهار گنج که اصل‏ فساد از آنجا برپا شده بود،مردم بسیاری که گمان فتنه‏انگیزی نسبت به آنها داشتند، آورده‏5در کنار دریای جون‏6گردن زدند و چون اکثری اعزه روشناس نسقچیان‏1 نادرشاهی را برای محافظت خانه‏های خود طلبیده بودند،بآن وسیله بعضی غربا که همسایهء ایشان بودند،از آفت قتل و غارت محفوظ ماندند-مختصر اینکه یک و نیم پهر از روز باقی مانده،برطبق استدعای محمدشاه از خون بی‏گناهان درگذشته،حکم کرد که امان‏ بدهند2سپاه قزلباش نظر بر کمال ضبط و نسق و خوف والی خود بمحض استماع ندای‏ امان دست از قتل و غارت و تاراج کشیده و این امر از عجائب و غرائب عالم است که سپاه‏ خونخواه جباری که بر مردم مال‏دار عیال بار مسلط شده باشند،بیک ندای امتناع ممتنع‏ کردند و دست از قتل و غارت بازکشند.